

عوامل اجتماعی - فرهنگی مرتبط با میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی در خلخال

صمد عابدینی، استادیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، ایران*

شیدا طالبی، کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، ایران

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با گرایش شهروندان شهر خلخال به ورزش همگانی بود. چارچوب نظری پژوهش، ترکیبی از نظریه جامعه‌پذیری ورزشی هورن (2000)، نظریه خودآیینی چارلز هورتن کولی (1902)، نظریه عمل پیر بورديو (1990) و نظریه فمینیستی هریس (1996)، چو و فلشین (2001) است. روش پژوهش، پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساخته بود. از شهروندان بالای ۱۵ سال شهر خلخال با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی ۳۷۹ نفر برای نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند. تحلیل آماری یافته‌ها نشان داد بین متغیرهای حمایت خانواده، تصور خویش از بدن، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی شهروندان و میزان گرایش آنان به ورزش همگانی، رابطه مثبت دارد ($P \geq 0/05$). تفاوت میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی بر اساس جنسیت، سن، شغل و سطح تحصیلات، معنادار و بر اساس وضعیت تأهل، غیرمعنادار است و نمره میانگین میزان گرایش به ورزش همگانی شهروندان ۵۰ است. همچنین یافته‌های پژوهش درخصوص نوع ورزش‌های همگانی مورد علاقه شهروندان شهر خلخال نشان می‌دهد ورزش‌های آبی، ورزش‌های بومی - محلی، ورزش بزرگسالان، ورزش کارکنان دولت، ورزش‌های طبیعی مثل کوهنوردی، ورزش صبحگاهی، آمادگی جسمانی، پیاده‌روی خانوادگی، به ترتیب از اولویت‌های ورزش‌های همگانی مورد علاقه شهروندان شهر خلخال محسوب می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: ورزش همگانی، حمایت خانواده، تصور خویش از بدن، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی.

Email: abedinisamad@gmail.com

* نویسنده مسؤول: ۰۹۱۴۴۱۱۶۴۱۳

Copyright©2017, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they can't change it in any way or use it commercially.

مقدمه و بیان مسأله

در دهه‌های اخیر، بسیاری از جوامع با سرعت به سمت صنعتی شدن و اقتصادی شدن رفته‌اند و زندگی انسان در آن‌ها به زندگی ماشینی بدل شده است. زندگی ماشینی، ابتکار عمل را از انسان گرفته و او را دچار فقر حرکتی کرده که به دنبال خود مشکلات متعدد جسمی، روانی و اجتماعی را پدید آورده است (جوادی‌پور و سمیع‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۲)؛ بنابراین نقش ورزش و فعالیت بدنی، راهبردی بسیار مهم است که توانایی بالقوه‌ای در یاری‌رساندن به اهداف سلامتی، اجتماعی و اقتصادی دارد. ورزش‌های همگانی و تفریحی، بخشی مهم از این راهبرد است؛ زیرا ورزش همگانی، ماهیتی تفریحی، آزادانه و انتخابی دارد و همین امر سبب شکل‌گیری آثار مختلف آن از قبیل سلامت جسمانی و روانی، لذت‌بخشی و با نشاط بودن شده است (زنگی‌آبادی، ۱۳۸۸: ۱۹).

ورزش همگانی، پرداختن عامه مردم به ورزش حتی در زمانی کوتاه با توجه به امکانات موجود و شرایط افراد است و در این میان، وظیفه اصلی سازمان تربیت بدنی و نهادهای مربوط، دعوت از مردم برای ورزش‌های همگانی مانند پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری، کوهپیمایی، دوهای عمومی و ورزش‌های بومی و محلی است. ورزش همگانی، دامنه سنی سه تا بالای هفتاد سال را شامل می‌شود و انواع مختلف فعالیت‌های جسمی شامل بازی‌های غیرمنظم و خودجوش محلی تا تمرین‌های بدنی منظم را در بر می‌گیرد و شامل ورزش صبحگاهی، فعالیت در پارک‌ها و فضای باز، کوهپیمایی یا کلاس‌های آمادگی جسمانی می‌شود و عموماً به ورزش‌های گروهی غیررقابتی و بدون هزینه و یا ارزان‌قیمت اطلاق می‌شود (سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴: ۱۱). امروزه حدود ۵۰ ورزش در جهان، ورزش همگانی شناخته شده است که طیفی از دویدن‌های آرام تا بازی‌های المپیک را در بر می‌گیرد (سمیع‌نیا و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲۲).

از لحاظ تعداد شرکت‌کنندگان در ورزش همگانی، تعداد شرکت‌کنندگان در ورزش همگانی در سال ۱۳۷۹ در ژاپن ۶۸

درصد، سوئد ۵۰، استرالیا ۵۲، دانمارک ۴۵، هنگ‌کنگ ۵۴ درصد و در سال ۱۹۹۸، نروژ ۴۱، سنگاپور ۳۸، فرانسه ۳۵، چین ۳۳، ایتالیا و جمهوری چک ۳۳، یوگسلاوی، فیلیپین و اسپانیا ۲۰ درصد بوده است و ایران با ۵/۹۲ درصد در رده آخر قرار دارد (مظفری و قره، ۱۳۸۴: ۱۵۴-۱۵۱). این در حالی است که در بند ۳ اصل سوم قانون جمهوری اسلامی ایران به گسترش تربیت بدنی و ورزش همگانی به صورت رایگان تأکید شده است (اداره کل تنقیح و تدوین مقررات جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۹: ۴).

در پژوهش‌هایی که در زمینه عوامل مؤثر بر گرایش به ورزش همگانی و نیز راه‌های توسعه آن انجام شده، به عوامل مختلفی اشاره شده است. صالحی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی نشان دادند تنبلی، نبود همراه و همپای مناسب و آلودگی هوا به ترتیب از عوامل بازدارنده انجام فعالیت فیزیکی هستند و حمایت‌های اجتماعی اطرافیان، سابقه قبلی انجام فعالیت‌های ورزشی و قرارگیری در طیف طبیعی توده بدنی، نقشی مهم در پیش‌بینی مراحل آمادگی افراد از نظر انجام فعالیت جسمانی دارند (صالحی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۷). آفرینش خاکی و همکاران (۱۳۸۴) نشان دادند عوامل اقتصادی، کمبود امکانات، کمبود پایگاه‌های ورزش صبحگاهی، وضعیت خانوادگی و کمبود بودجه ورزشی به ترتیب از موانع توسعه ورزش همگانی به شمار می‌آیند و بهبود وضعیت اقشار مختلف جامعه، توجه به وضعیت خانوادگی، گسترش ناوگان حمل و نقل عمومی و نیز استفاده از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از مهم‌ترین عوامل توسعه ورزش همگانی هستند (آفرینش خاکی و همکاران، ۱۳۸۴: ۱).

نکته در خور توجه پیرامون ورزش همگانی این است که توسعه ورزش همگانی به شرایط اجتماعی و فرهنگی بستگی دارد. جامعه‌شناسان ورزش به این موضوع در قالب کلی جامعه‌پذیری ورزشی توجه کرده‌اند. آن‌ها معتقدند ورزش همگانی بدون ارتباط با تأثیرات اجتماعی و عادات‌های فرهنگی دیگر و در انزوا نمی‌تواند درک شود. فرایندهای

بوردیو برای بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و اقتصادی شهروندان، میزان تحصیلات، نوع شغل و میزان گرایش آنان به ورزش همگانی، نظریه فمینیستی هریس، چو و فلشین برای بررسی رابطه بین جنسیت، وضعیت تأهل و میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی است.

پیر بوردیو بر اساس نظریه تمایز خود، ورزش افراد و گروه‌ها را دقیقاً بر اساس سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی آنها تحلیل کرده است. بوردیو معتقد است سرمایه اقتصادی شامل (درآمد پولی، دارایی‌ها، حقوق مالی و سایر منابع مالی) و سرمایه فرهنگی شامل (گرایش و عادات دیرپا، هدف‌های فرهنگی، قابلیت‌های تحصیلی و مهارتی) مهم‌ترین عواملی هستند که چگونگی توزیع رفتارهای ورزشی در میان اقشار متفاوت جامعه را می‌توانند توضیح دهند؛ برای مثال او می‌گوید طبقات بورژوا برای تولید بدنی سالم، ژیمناستیک یا ورزش‌های مشابه با کارکرد بهداشتی انجام می‌دهند؛ ولی طبقات کارگر با هدف تولید بدنی قوی به ورزش رو می‌آورند. به‌طور کلی می‌توان گفت فضای موقعیت‌های اجتماعی به‌واسطه فضای منش‌ها به فضای «موضع‌گیری‌ها» تبدیل می‌شود؛ به عبارت دیگر نظام فاصله‌ها و تفاوت‌هایی که نشان‌دهنده موقعیت‌های مختلف در دو بعد اصلی فضای اجتماعی است، کاملاً بر مجموعه فاصله‌ها و تفاوت‌هایی منطبق است که در سرمایه‌های عاملان یا در سرمایه‌های گروه‌های عاملان وجود دارد. منظور از سرمایه‌های عاملان، کنش‌ها و کالاهای ایشان است. هر مجموعه از موقعیت‌ها با مجموعه‌ای از منش‌ها یا ذائقه‌ها متناظر است که محصول شرایط اجتماعی متناسب با آن موقعیت‌ها است. همچنین به‌واسطه منش و توان مولد آن با مجموعه‌ای از کالاهای دارایی‌ها متناظر است که به‌دلیل تعلق به سبکی واحد به هم پیوند می‌خورد» (جلایی‌پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۳۲۹ - ۳۲۷).

درک توزیع طبقه در ورزش‌های گوناگون، در نقشه‌های خاص قدردانی و آگاهی آنها می‌تواند ارزیابی شود. طبقات با هزینه‌های متفاوت (اقتصادی، فرهنگی و جسمانی) و منافع

اجتماعی و فرهنگی موجب رشد فزاینده مشارکت ورزشی در زندگی مردم می‌شود (مهرآیین، ۱۳۸۷: ۱۱۹). اهمیت تأثیرات متقابل ورزش و ابعاد گوناگون اجتماعی و فرهنگی به اندازه‌ای است که توجه اولین جامعه‌شناسان و پیشگامان جامعه‌شناسی ورزش همچون مارسل موس، یوهان هویزینگا، رژه کایووا، نوربرت الیاس و پیر بوردیو را به خود جلب کرده است. «ورزش، پدیده‌ای اجتماعی - فرهنگی است که پیوندی اندام‌وار با مجموعه نهادها و ساختارهای اجتماعی دارد؛ بدین معنا که دستاوردهای ورزش و فعالیت‌های آن به‌طور کلی یک شاخص عمومی است. از یک‌سو، با آن درباره سطح پیشرفت اجتماعی و فرهنگی یک جامعه می‌توان داوری کرد و از سوی دیگر، پیشرفت و ترقی ورزشی نیز به داده‌ها و عوامل اجتماعی حاکم بر جامعه وابسته است. به همین دلیل، تحلیل نهایی شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حجم و میزان هماهنگی اجتماعی موجود میان این شرایط - از رهگذر شماری از روابط غیرمستقیم است که تعیین می‌کند ورزش تا چه اندازه می‌تواند پیشرفت کند و تا چه حد می‌تواند واپس رود» (انورالخولی، ۱۳۸۱: ۱۲)؛ بنابراین در تحلیل نهایی، میزان گرایش و پیشرفت در ورزش و دستاوردهای آن، با شاخص‌های موجود اجتماعی و فرهنگی ارتباط زیادی دارد.

به‌طور کلی شش رویکرد و نظریه عمده که برای مطالعه فعالیت‌ها و پدیده‌های ورزشی در جامعه استفاده می‌شوند عبارتند از: نظریه کارکردگرا، نظریه تضاد، نظریه کنش متقابل نمادین، نظریه انتقادی، نظریه طرفداری از حقوق زنان (فمینیستی) و نظریه شاکله یا پیکره‌ای^۱ (فنجی، ۱۳۸۸: ۳۵).

با توجه به این رویکردها، چارچوب نظری این پژوهش، ترکیبی از نظریه جامعه‌پذیری ورزشی هورن برای بررسی رابطه بین حمایت خانواده از فعالیت‌های ورزشی و میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی، نظریه خودآیینی‌ای چارلز هورتن کولی برای بررسی رابطه تصور خویش از بدن و میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی، نظریه عمل پیر

¹ Configuration theory

تنیس، راگبی و اسکی و به‌طور خاص به ورزش‌هایی علاقه‌مند می‌شوند که شرایط فعالیت بدنی در ارتباط با طبقه آنها باشد که این شرایط با نگرش جهانی از «فلسفه و بدن» در بر گرفته شده است. بورژوازی با بدن خود همانند یک فرجام رفتار می‌کند. بدن خود را تکیه‌گاهی برای آسودگی خودش می‌کند. یک سبک زندگی از رونما که می‌تواند شاخص رفتار بورژوازی باشد که با خصوصیات همچون مقاومت، اندازه‌گیری میزان سرعت خود اعتمادی مشخص شود (بورديو، ۱۹۷۹: ۲۱۸، به نقل از مهرآیین، ۱۳۸۷: ۱۱۵-۱۱۳)

به‌نظر بورديو، مهم‌ترین عامل‌های که نحوه توزیع رفتارهای ورزشی را در میان اقشار متفاوت جامعه می‌توانند توضیح دهند، عبارتند از:

۱. سرمایه اقتصادی، شامل درآمد پولی، سایر منابع مالی، دارایی‌ها و حقوق مالی.

۲. سرمایه فرهنگی شامل گرایش و عادات دیرپایی که در فرایند جامعه‌پذیری حاصل می‌شوند و هدف‌های فرهنگی ارزشمندی نظیر قابلیت‌های تحصیلی و مهارتی را به دنبال دارد.

۳. وقت آزاد (بورديو، ۱۳۸۱: ۲۴۰). بورديو مثال‌هایی را در رابطه با این عوامل ذکر می‌کند:

(الف) ورزش‌های مردمی به‌طور ضمنی با دوره جوانی در ارتباط هستند؛ یعنی عملاً نوعی جواز موقت در قالب شیوه‌های گوناگون از جمله تلف کردن مازاد انرژی فیزیکی، البته این ورزش‌ها خیلی زود معمولاً در لحظه ورود به بزرگسالی و با ازدواج کنار گذاشته می‌شوند.

(ب) ورزش‌های بورژوازی که به‌طور عمده به‌دلیل کارکرد حفاظت جسمانی و منفعت اجتماعی انجام می‌شوند.

محدوده سنی این ورزش‌ها در فراسوی محدوده جوانی است، البته هرچه اعتبار و انحصار آنها بیشتر شود، مرز سنی متناظر با آنها نیز جلوتر می‌رود؛ (مثلاً گلف) همچنان که ژاک دو فرانس نشان داد دو قشر مختلف اجتماعی ممکن است، بنا به دو دلیل متفاوت یک ورزش خاص را (مثلاً ژیمناستیک)

به‌هم‌پیوسته در ورزش‌های متفاوت مشخص می‌شوند. منافع جسمانی (سلامت، زیبایی، قدرت که با بدن‌سازی یا به‌طور غیرمرئی با «حفاظت مناسب» تمرینات به دست می‌آید). منافع اقتصادی و اجتماعی (حرکت رو به بالا و غیره) و منافع نمادی که با ارزش موقعیتی یا توزیعی هر یک از ورزش‌های مدنظر پیوند می‌خورد، به‌گونه‌ای که همه یا هر یک از آنها به‌صورت کم و بیش کمیاب پذیرفته می‌شود و این کم یا زیادی با یک طبقه، پیوستگی آشکاری دارد؛ مثل بوکس، فوتبال، راگبی یا بدن‌سازی که خاص طبقه کارگر است. تنیس و اسکی، طبقات متوسط بورژوازی و گلف، طبقات بالای بورژوازی، منافع سلطه فزاینده‌ای را درباره تأثیرات بدنی به‌طور آشکار نشان می‌دهد (به‌طور مثال لاغرشدن، برنزه‌شدن، عضلانی‌شدن و غیره) یا گروه‌های منتخب که در سطح بالایی از این ورزش‌ها (گلف، چوگان و غیره) بهره‌مند هستند (Bourdieu, 1979:20).

فرهنگ جسمانی و جهت‌گیری سلامتی و فعالیت‌هایی مانند دویدن آهسته یا قدم‌زدن به‌صورت فرهنگ بخش‌هایی از ثروتمندترین طبقات متوسط و طبقات حاکم در می‌آید. ورزش‌های تیمی در میان طبقات اجتماعی به کار گرفته می‌شوند؛ ولی تمایزهای عمیقی در میان ورزش‌های تیمی وجود دارد.

درواقع بیشترین مشخصه ورزش‌های مردمی مثل فوتبال، راگبی، کشتی و بوکس، ترکیبی است از همه اشکال ورزش مردمی که طبقه حاکم، آنها را نمی‌پذیرد. نه تنها رقابت اجتماعی همگانی و عوام‌پسند آنها، بلکه ارزش‌ها و درخواست‌های معنوی، قدرت، خشونت پایدار، فداکاری، فرمانبرداری و اطاعت از انضباط جمعی را تشدید می‌کند - و برعکس فاصله نقش بورژوازی - را کاهش و سرفرازی در رقابت را تشدید می‌کند (Bourdieu, 1979:214).

«تفاوت‌های طبقاتی نیز در خور توجه تماشاگران هستند. طبقات حاکم کمتر مانند دیگر طبقات به ورزش در زندگی روزمره یا تلویزیون نگاه می‌کنند، به‌استثنای ورزش‌هایی نظیر

انجام دهند (بوردیو، ۱۳۸۱):

۱) طبقات کارگر به هدف تولید «بدنی قوی» که واجد نشانه‌های بیرونی قدرت است؛ یعنی برای بدن‌سازی ژیمناستیک می‌کنند.

۲) طبقات پورژوا به دنبال تولید «بدنی سالم» ژیمناستیک یا ورزش‌های دیگر انجام می‌دهند که کارکردشان به‌طور عمده بهداشتی است.

به‌طور کلی میزان و چگونگی کنش‌های ورزشی افراد، گروه‌ها و طبقات اجتماعی بر اساس کم و کیف سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی آنان از دیدگاه بوردیو متفاوت است.

بوردیو معتقد است نظام خوی و خصالتی که افراد کسب می‌کنند، به موقعیت یا (موقعیت‌هایی) بستگی دارد که در جامعه اشغال می‌کنند؛ یعنی به میزان بهره‌مندی از سرمایه وابسته است. از نظر بوردیو، سرمایه هرگونه خاستگاه و سرچشمه در عرصه اجتماعی است که در توانایی فرد برای بهره‌مندی از منافع خاصی مؤثر واقع می‌شود که در این صحنه به دست می‌آید (استونز، ۱۳۸۷: ۳۳۵).

از دیدگاه نظریه عمل پیر بوردیو، شهروندانی که توان دستیابی به سرمایه‌های زیر را دارند، برنامه منظم ورزشی را برای خویش و خانواده خود می‌توانند برگزینند. این سرمایه‌ها عبارتند از: سرمایه اقتصادی شامل درآمد پولی، سایر منابع مالی، دارایی‌ها و حقوق مالی، سرمایه فرهنگی شامل ماهره، اینترنت، تلویزیون و گرایش‌ها و عادات دیرپایی که در فرایند جامعه‌پذیری حاصل می‌شوند و هدف‌های فرهنگی ارزشمندی قابلیت‌های تحصیلی و مهارتی را که به دنبال دارد، سرمایه اجتماعی با چارچوب‌های اجتماعی در فرد از قبیل خانواده، دوستان و همکاران و عضویت در باشگاه‌های ورزشی فرد همراه است که علاقه و اشتیاق فرد را برای مدیریت درست بر بدن و گرایش او به ورزش را بر می‌انگیزند؛ بنابراین بر اساس این دیدگاه، میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی را عادت‌واره (سلاقی، سبک زندگی)، ترکیب سرمایه اجتماعی (خانواده، دوستان، عضویت

در انجمن‌ها و . . .)، اقتصادی (درآمد و دارایی‌ها)، فرهنگی (مهارت‌ها، تحصیلات) و داشتن وقت آزاد تعیین می‌کند (بوردیو، ۱۳۸۱: ۴۰). از نظر بوردیو افرادی که درآمد و دارایی دارند و مشغله تأمین نیازهای اولیه را ندارند و افرادی که از رسانه‌ها استفاده می‌کنند و یا تحصیلات بالاتری نسبت به دیگران دارند، سطح آگاهی‌شان نسبت به سلامتی روحی و روانی بیشتر است و بیشتر تمایل دارند با ورزش خودشان را با دیگران متمایز کنند.

هورن به دو مرحله مهم شکل‌گیری جامعه‌پذیری ورزشی یعنی مرحله درگیرشدن و مرحله درگیرماندن اشاره کرده است. در مرحله درگیرشدن، فرد در جریان تعامل با دیگران و استفاده از منابع اطلاع‌رسانی با ورزش به‌صورت مقدماتی آشنا می‌شود. فرد در این مرحله، اطلاعاتی راجع به رشته ورزشی، چگونگی انجام فعالیت‌های ورزشی و برخی از مسائل دیگر به دست می‌آورد. پس از آن با حمایت‌هایی که از سوی دیگران خصوصاً خانواده دریافت می‌کند، وارد یک گروه ورزشی می‌شود. پس از آن ضمن تعامل با اعضای گروه و بر مبنای توانایی و علاقه فردی و همچنین نحوه برخورد گروه با او ورزش را ادامه می‌دهد (هورن، ۲۰۰۰، به نقل از هاشمی و مرادی، ۱۳۸۹: ۱۶۵).

کولی معتقد است فهم ما از خودمان در نگاه کردن در نوعی آینه شکل می‌گیرد. آن آینه مردم دیگری هستند که با آنان کنش متقابل داریم. ما از دیگران همچون آینه‌ای برای ارزیابی کیستی و چیستی مان استفاده می‌کنیم. ما به چشم‌های آنان و زبان اندامشان نگاه می‌کنیم و به کلامشان گوش می‌دهیم. اگر مردم، ما را همان‌گونه ارزشیابی کنند که امیدش را داریم، اگر آن چیزی را انجام دهند که ما می‌خواهیم، آن‌گاه آینه خود ما را تأیید می‌کند و ما همان‌گونه ادامه می‌دهیم که فکر یا عمل می‌کردیم. با وجود این، اگر عکس آن روی دهد، آن‌گاه ممکن است لازم باشد کنش‌ها و حتی فهم‌مان را از کیستی خود از نو ارزیابی کنیم. اگر آینه همچنان به ما تصویری را نشان دهد که با تصور ما درباره خودمان متفاوت

کم هزینه، پربرخورد و رقابتی تر است. پژوهش‌های تورشتاین و بلن در سال ۱۸۹۹ هم مؤید تأثیرات طبقه و سرمایه‌های افراد با چگونگی فعالیت‌های ورزشی آنان است. در ایران نیز رحمت‌اله صدیق سروستانی، رابطه‌ی قشربندی اجتماعی و فعالیت‌های ورزشی را تحلیل و تأیید کرده و به نتیجه‌ای تقریباً مشابه و بلن رسیده است.

رضا اسماعیلی هم در پژوهش خود، طبقه‌ی اجتماعی و میزان درآمد خانواده‌های افراد را در فعالیت‌های ورزشی آنان تأیید کرده است. او در پژوهش خود، به رابطه‌ای مستقیم بین وضعیت اجتماعی - اقتصادی افراد و فعالیت‌های ورزشی دست یافته است (غلامی، ۱۳۸۱: ۸-۶).

پیروان نظریه‌ی فمینیستی نیز با تأکید بر جنسی بودن فعالیت ورزشی معتقدند معنا، سازمان و هدف ورزش در ارزش‌ها و تجربه‌ی مردان ریشه دارد و برای تجلیل از خصوصیات و مهارت‌های مربوط به مردانگی در جامعه تعریف شده است (بیرل، ۲۰۰۰، به نقل از رحمتی و کبیری، ۱۳۹۲: ۴).

خلخال، شهری سنتی است که بیشتر افراد در آن ارتباطات چهره به چهره دارند، فعالیت‌های ورزشی از قبیل پیاده‌روی خانوادگی، شرکت در ورزش‌های عصرگاهی و صبحگاهی، فعالیت ورزشی در پارک‌ها، کوهنوردی محلی، ورزش‌های بومی - محلی، طناب‌کشی، داژبال و طناب‌زنی می‌تواند در این شهر جلوه‌ی خاصی نسبت به شهرهای دیگر ایران داشته باشد.

شناسایی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با گرایش شهروندان خلخال به ورزش همگانی به بهترین شکل به مدیران شهری خلخال می‌تواند کمک کند تا با یک برنامه‌ریزی دقیق، ورزش را در اوقات فراغت شهروندان جای دهند تا مردم ورزش همگانی را برای سبک زندگی خویش انتخاب کنند. این در حالی است که اگر از شناخت این واقعیت و برنامه‌ریزی بر اساس آن غفلت شود، شهروندان خلخال از جنبه‌های سلامت جسمی و روانی به‌علت کم‌تحرکی، گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی به‌علت

باشد، آن‌گاه ممکن است لازم باشد فهم‌مان را از کیستی خود از نو ارزیابی کنیم (ریتزر، ۱۳۸۹: ۲۴۵). کولی معتقد است افراد عموماً به نظرات مهم دیگران، بیشتر از غریبه‌ها اهمیت می‌دهند. این تصور از احساساتی که دیگران نسبت به ما دارند، رفتار ما را تغییر می‌دهد. افراد می‌آموزند با توجه به محیطی که در آن قرار می‌گیرند، رفتار خود را تغییر دهند (دیلینی، ۱۳۸۷: ۲۳۸). بر اساس این دیدگاه، میزان مشارکت شهروندان در ورزش‌های همگانی، نخست تحت تأثیر پیام‌هایی است که افراد در ارتباط با خانواده و گروه دوستان در زمینه‌ی پیامدهای فعالیت ورزشی دریافت می‌کنند. دوم، اگر تصویری که افراد در مورد ویژگی‌ها و تناسب اندام خود دارند با قضاوت‌های دیگران همخوان نباشد، ممکن است فرد رفتار خود را با بدن خود تغییر دهد و برای رسیدن به تناسب اندام به رویکردهای همچون شرکت در فعالیت‌های ورزشی روی بیاورد؛ زیرا افراد برای ظاهرشان اهمیت زیادی قائل هستند.

یکی از مسائل محوری در حوزه‌ی جامعه‌شناسی ورزشی (صاحب‌نظران جامعه‌شناسی و پژوهشگران حوزه‌ی علوم اجتماعی) تحلیل فعالیت‌های ورزشی ورزشکاران بر اساس سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی است؛ یعنی اینکه سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی، تا چه حد کمیت و کیفیت فعالیت‌های ورزشی را در جامعه تحت تأثیر قرار می‌دهد. بسیاری از پژوهشگران داخلی و خارجی، فعالیت‌های ورزشی افراد را بر اساس سرمایه‌های اقتصادی - اجتماعی بررسی کرده‌اند.

لوشن و همکاران، میزان و چگونگی فعالیت ورزشی افراد را بر اساس طبقات اجتماعی و سرمایه‌های آنان تحلیل کرده‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که به‌علت تفاوت سرمایه‌های افراد طبقات مختلف به‌ویژه طبقات بالا با سایر طبقات، میزان، نوع و نحوه‌ی فعالیت‌های ورزشی آنان با هم متفاوت است. زلمان نیز به نتیجه‌ای مشابه این پژوهش رسیده است. او بیان می‌کند ورزش‌های طبقه‌ی بالا، هزینه‌بر، بدون تماس فیزیکی و معطوف به اهداف اجتماعی است نه اهداف رقابتی؛ ولی ورزش طبقات متوسط و پایین، ورزش‌های

اعتبار صوری و ارجاع پرسشنامه به متخصصان در حوزه جامعه‌شناسی استفاده شده است. برای ارزیابی و سنجش پایایی پرسشنامه مبتنی بر قدرت تبیین‌کنندگی گویه‌ها نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب نهایی آلفای کرونباخ برای هریک از متغیرهای پژوهش عبارتند از: حمایت خانواده از فعالیت ورزشی فرد (۰/۸۶۰)، تصور خویش از بدن (۰/۸۸۱)، سرمایه اجتماعی (۰/۸۷۵)، سرمایه فرهنگی (۰/۶۸۵)، سرمایه اقتصادی (۰/۷۹۳) و متغیر وابسته یعنی میزان گرایش به ورزش‌های همگانی (۰/۸۳۷). ضریب کلی آلفای پرسشنامه نیز (۰/۸۲۲) محاسبه شد که نشان‌دهنده پایایی مناسب و مطلوب ابزار مورد استفاده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

داده‌های تجربی نشان می‌دهند از کل حجم نمونه ۵۱/۷ درصد مرد و ۴۸/۳ درصد زن هستند. ۴۷/۵ درصد افراد در رده سنی ۱۵-۲۵ سال قرار دارند، ۲۱/۹ درصد در رده سنی ۲۶-۳۵ سال، ۱۹/۵ درصد در رده سنی ۳۶-۴۵ سال، ۵/۸ درصد در رده سنی ۴۶-۵۵ سال و ۵/۳ درصد افراد نیز در رده سنی بالاتر از ۵۶ سال قرار دارند. بیشترین فراوانی به رده سنی ۱۵-۲۵ سال متعلق است. از کل پاسخگویان، ۵۰/۱ درصد مجرد و ۴۹/۹ درصد متأهل هستند. از نظر میزان تحصیلات، ۱۷/۹ درصد مدرک زیردیپلم، ۲۴/۸ درصد دیپلم، ۲۰/۳ درصد فوق دیپلم، ۲۷/۴ درصد لیسانس و ۹/۵ درصد افراد نیز مدرک فوق لیسانس و بالاتر داشتند. بیشترین فراوانی مربوط به پاسخگویانی بود که تحصیلات لیسانس داشته‌اند. از نظر اشتغال، ۳/۴ درصد پاسخگویان شغل کارگری، ۲۲/۴ درصد کارمند، ۳/۴ بازاری و ۱۴/۵ درصد شغل آزاد داشته‌اند. ۵۶/۲ درصد افراد نیز گزینه سایر (خانه‌دار، دانشجو و بازنشسته) را انتخاب کرده‌اند که بیشترین فراوانی را داشته است.

نتایج یافته‌های توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته نشان می‌دهد میانگین نمره حمایت خانواده از فعالیت ورزشی فرد

برنامه‌ریزی نامناسب مدیریت شهری برای اوقات فراغت، استفاده نادرست از فرصت‌های فرهنگی - آموزشی موجود در ورزش همگانی آسیب می‌بینند. هدف این پژوهش، آگاهی از میزان گرایش شهروندان خلخال به ورزش همگانی و بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با آن است. برای این منظور، ارتباط گرایش به ورزش همگانی با تصور خویش از بدن، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی تعیین می‌شود. همچنین توزیع گرایش به ورزش همگانی با توجه به متغیرهای سن، جنسیت، نوع شغل، میزان تحصیلات و وضعیت تأهل تفاوت‌سنجی می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری پژوهش، جمعیت بالای ۱۵ سال شهر خلخال بود که بالغ بر ۲۹۷۶۵ نفر (۱۴۴۴۴ نفر مرد و ۱۵۳۲۱ نفر زن) برآورد شد (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰). از این تعداد ۳۷۹ نفر برای حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران محاسبه شده است. روش‌های نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی است.

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش با توجه به زیرساخت‌ها و فضاهای عمومی موجود در شهر خلخال، پرسشنامه محقق‌ساخته بود. پرسشنامه شامل ۱۳ پرسش درباره مشخصات فردی، ۵ گویه برای حمایت خانواده از فعالیت ورزشی فرد، ۷ گویه برای تصور خویش از بدن، ۲۶ گویه برای سرمایه اجتماعی، ۱۷ گویه برای سرمایه فرهنگی، ۴ گویه برای سرمایه اقتصادی و ۱۲ گویه برای گرایش به ورزش‌های همگانی بود. مقیاس اندازه‌گیری گویه‌ها، طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای و روش امتیازگذاری به ترتیب ۱ تا ۵ بود و سطح اندازه‌گیری پرسش‌های سرمایه اقتصادی، فاصله‌ای و اندازه‌گیری پرسش‌های مشخصات فردی به صورت اسمی چندحالتی بود. شکل پرسش‌های پرسشنامه نیز از نوع بسته و شیوه اجرای آن حضوری بود.

برای تعیین اعتبار ابزار پژوهش (پرسشنامه) از روش

درصد اطمینان است. نتایج درباره رابطه بین تصور شخصی از بدن و میزان گرایش افراد به ورزش همگانی با توجه به ضریب همبستگی به دست آمده (۰/۱۷۴) و سطح معنی‌داری بین دو متغیر (۰/۰۰۱) نشان می‌دهد بین دو متغیر، رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. بین دو متغیر سرمایه اجتماعی شهروندان و میزان گرایش آنان به ورزش همگانی با توجه به ضریب همبستگی (۰/۳۶۴) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) رابطه مثبت، مستقیم و در حد متوسط و در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان وجود دارد؛ به عبارت دیگر با افزایش سرمایه اجتماعی شهروندان، میزان گرایش آنان به ورزش همگانی نیز افزایش می‌یابد. همچنین نتایج نشان می‌دهد بین متغیر سرمایه فرهنگی شهروندان و میزان گرایش آنان به ورزش همگانی با توجه به ضریب همبستگی (۰/۴۷۹) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) رابطه مثبت، مستقیم و نسبتاً قوی و در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان وجود دارد. با توجه به فرضیه پنجم پژوهش مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری آزمون (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ است و ضریب همبستگی بین دو متغیر با میزان (۰/۲۳۳) مثبت، مستقیم و نسبتاً ضعیف است؛ بنابراین بین متغیر سرمایه اقتصادی شهروندان و میزان گرایش آنان به ورزش همگانی، رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

همان‌گونه که در جدول ۱ نیز مشاهده می‌شود مقدار T به دست آمده در واریانس‌های برابر (۲/۳۲۳) محاسبه شده است که سطح معناداری T از سطح معناداری مدنظر (۰/۰۵) کمتر است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی برحسب جنسیت آنان متفاوت است و مردان بیشتر از زنان، ورزش همگانی می‌کنند. با توجه به فرضیه هفتم پژوهش، سطح معنی‌داری آزمون بیشتر از ۰/۰۵ به دست آمده است؛ بنابراین فرض صفر را نمی‌توان رد کرد؛ یعنی میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی بر اساس وضعیت تأهل آنان متفاوت نیست.

میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی برحسب سن آنان متفاوت است. مقدار F به دست آمده برابر (۳/۷۸۶) و

۱۶/۴۹ (با توجه به بازه نمره ۵ تا ۲۵) است. میانگین نمره تصور شخصی از بدن ۲۵/۵۴ (با توجه به بازه نمره ۱۴ تا ۳۵)، سرمایه اجتماعی ۱۰۱/۲۵ (با توجه به بازه نمره ۵۷ تا ۱۴۴)، سرمایه فرهنگی ۳۲/۸۷ (با توجه به بازه نمره ۱۷ تا ۴۷)، سرمایه اقتصادی ۸/۸۷ (با توجه به بازه نمره ۴ تا ۲۴) بوده است. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد نمره میانگین متغیر میزان گرایش به ورزش همگانی شهروندان شهر خلخال ۴۹/۸۶ است.

یافته‌های استنباطی

آزمون فرضیه‌های پژوهش

جدول ۱- نتایج آزمون‌های آماری درباره ارتباط عوامل مطالعه با

گرایش به ورزش همگانی

عامل	نوع آزمون	مقدار آزمون	سطح معنی‌داری
حمایت خانواده	پیرسون	$r=0/284$	۰/۰۰۰
تصور خویش از بدن	پیرسون	$r=0/174$	۰/۰۰۱
سرمایه اجتماعی	پیرسون	$r=0/364$	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی	پیرسون	$r=0/479$	۰/۰۰۰
سرمایه اقتصادی	پیرسون	$r=0/233$	۰/۰۰۰
جنسیت	T- Test	$t= 2/323$	۰/۰۲۱
وضعیت تأهل	T- Test	$t 0/818$	۰/۴۱۴
سن	تحلیل واریانس	$F= 3/786$	۰/۰۰۵
نوع شغل	تحلیل واریانس	$F=12/411$	۰/۰۰۰
میزان تحصیلات	تحلیل واریانس	$F= 9/606$	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۱ بین دو متغیر حمایت خانواده از فعالیت ورزش فرد و میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی، رابطه‌ای معنادار وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسون به دست آمده (۰/۲۸۴) و سطح معنی‌داری آن (۰/۰۰۰) است که نشان‌دهنده رابطه بین دو متغیر در سطح حداقل ۹۵

و بالاتر دارند، ۵۶/۰۳ است و این نشان می‌دهد هرچه سطح آگاهی و سرمایه فرهنگی افزایش می‌یابد، فرد بیشتر به سلامت روانی و جسمی خود توجه می‌کند؛ بنابراین میزان گرایش به ورزش‌های همگانی هم بیشتر می‌شود.

بحث و نتیجه

هدف از انجام این پژوهش، بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان گرایش شهروندان شهر خلخال به ورزش همگانی بود. با تحلیل یافته‌ها، نتایجی به شرح زیر به دست آمد:

بین حمایت ذهنی و عاطفی خانواده از فعالیت‌های ورزشی فرد و میزان گرایش افراد به ورزش همگانی، رابطه‌ای معنادار وجود داشت. افرادی که خانواده از فعالیت ورزشی آنان حمایت ذهنی و عاطفی می‌کردند، گرایش به ورزش همگانی بالاتری نیز داشتند. هورن معتقد است افراد با حمایت‌هایی که از سوی دیگران خصوصاً خانواده دریافت می‌کنند، وارد یک گروه ورزشی می‌شوند. پس از آن ضمن تعامل با اعضای گروه و بر مبنای توانایی و علاقه فردی و همچنین نحوه برخورد گروه با او ورزش را ادامه می‌دهد (هورن، ۲۰۰۰، به نقل از هاشمی و مرادی، ۱۳۸۹: ۱۶۵). این نتایج با نتایج پژوهش یاردی و لنت^۱ (1998)، ویلیامسون و همکاران^۲ (1998)، وایت و ویلسون^۳ (2002)، دالمن و لیوایز^۴ (2010)، فتحی (۱۳۸۸) و هاشمی و مرادی (۱۳۸۹) همخوانی دارد. خانواده به دلیل گستره و عمق تأثیرات بر فرد در طول زندگی، جایگاهی مهم در فرایند جامعه‌پذیری ورزشی افراد دارد؛ بنابراین متولیان توسعه ورزش لازم است در کنار توسعه امکانات فیزیکی به این نکته توجه داشته باشند که کار توسعه ورزش همگانی کاری فرهنگی است که باید با استفاده از تخصص و تجربه متخصصان فرهنگی تحقق پذیرد؛ به عبارت

سطح معناداری آن (۰/۰۰۵) است که از سطح معناداری مدنظر (۰/۰۵) کمتر است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که میانگین متغیر گرایش شهروندان به ورزش همگانی گروه‌های مختلف سنی متفاوت است. نتایج نشان می‌دهد میانگین متغیر گرایش شهروندان به ورزش همگانی برای پاسخگویانی که سن ۲۵-۱۵ دارند ۴۹/۵۶ و برای پاسخگویانی که سن ۳۵-۲۶ دارند، ۴۷/۵۱ و برای پاسخگویانی که سن ۴۵-۳۶ دارند، ۵۴/۴۹، برای پاسخگویانی که سن ۵۵-۴۶ دارند، ۴۹/۸۶ و برای پاسخگویانی که سن ۵۶ و بالاتر دارند، ۴۵/۲۵ است. میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی برحسب نوع شغل آنان متفاوت است. مقدار F به دست آمده برابر (۱۲/۴۱۱) و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) است که از سطح معناداری مدنظر (۰/۰۵) کمتر است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت میانگین متغیر گرایش شهروندان به ورزش همگانی گروه‌های مختلف شغلی متفاوت است. نتایج نشان می‌دهد میانگین متغیر گرایش شهروندان به ورزش همگانی برای پاسخگویانی که شغل کارگری دارند، ۴۲/۳۸، برای پاسخگویانی که شغل کارمندی دارند، ۵۷/۲۵، برای پاسخگویانی که شغل بازاری دارند، ۵۱/۲۳، برای پاسخگویانی که شغل آزاد دارند، ۵۱/۵۶ و برای پاسخگویانی که به کارهای دیگر اشتغال دارند، ۴۸/۸۵ است. نتایج نشان می‌دهد میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی برحسب میزان تحصیلات آنان متفاوت است. مقدار F به دست آمده برابر (۹/۶۰۶) و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) است که از سطح معناداری مدنظر (۰/۰۵) کمتر است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت میانگین متغیر گرایش شهروندان به ورزش همگانی گروه‌های مختلف تحصیلی متفاوت است. میانگین متغیر گرایش شهروندان به ورزش همگانی برای پاسخگویانی که میزان تحصیلات زیر دیپلم دارند، ۵۲/۰۴، برای پاسخگویانی که میزان تحصیلات دیپلم دارند، ۴۶/۱۶، برای پاسخگویانی که میزان تحصیلات فوق دیپلم دارند، ۵۳/۰۹، برای پاسخگویانی که میزان تحصیلات لیسانس دارند، ۴۶/۵۶ و برای پاسخگویانی که میزان تحصیلات فوق لیسانس

¹ Yordy Galen & Lent robert

² Vilhjalmsson et al.

³ White & Wilson

⁴ Dollman & Lewis

نسبت به غذا و ورزش دارند. تصویر از خویش یکی از مقولات مهم در شکل‌گیری هویت فردی است.

بین سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و اقتصادی شهروندان و میزان گرایش آنان به ورزش همگانی، رابطه‌ای معنادار وجود دارد. بورديو معتقد است نظام خوی و خصلتی که افراد کسب می‌کنند به موقعیت یا (موقعیت‌هایی) بستگی دارد که در جامعه اشغال می‌کنند؛ یعنی به میزان بهره‌مندی از سرمایه وابسته است. از نظر بورديو، سرمایه هرگونه خاستگاه و سرچشمه در عرصه اجتماعی است که در توانایی فرد برای بهره‌مندی از منافع خاصی مؤثر واقع شده که در این صحنه حاصل می‌شود (استونز، ۱۳۸۷: ۳۳۵). بر اساس نظریه عمل‌پیر بورديو، میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی را عادت‌واره (سلايق، سبک زندگی)، ترکیب سرمایه اجتماعی (خانواده، دوستان، عضویت در انجمن‌ها و . . .)، اقتصادی (درآمد و دارایی‌ها)، فرهنگی (مهارت‌ها، تحصیلات) و داشتن وقت آزاد تعیین می‌کند. به‌لحاظ تجربی این نتیجه با نتایج پژوهش‌های ویلیامسون و همکاران (1998)، لیندستروم و همکاران (2003)، سیپل^۲ (2007)، دالمن و لیوایز (2010)، پرینس و همکاران^۳ (2012) فتحی (۱۳۸۸)، پارسامهر و ترکان (۱۳۹۱)، عادلخانی و همکاران (۱۳۹۱) و اسلامی و همکاران (۱۳۹۲) هماهنگی دارد و تأییدی بر نتایج این پژوهش‌ها است؛ بنابراین با برنامه‌ریزی و پژوهش بر متغیرهای تأثیرگذار بر افزایش سرمایه اجتماعی، زمینه را برای افزایش تمایل و شرکت در فعالیت‌های بدنی در بین اقشار جامعه و گروه‌های شغلی می‌توان فراهم کرد. با تقویت اجتماعات محلی، کمک به گسترش این اجتماعات در میان زنان و مطرح‌شدن ورزش همگانی در گفتمان عمومی جامعه، ورزش همگانی را می‌توان گسترش داد. افزایش سطح آگاهی اقشار مختلف جامعه را در مورد فواید ورزش از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توسعه ورزش همگانی باید دانست که به توجه بیشتر مسئولان نیاز دارد در این راستا مدیریت شهری با برگزاری کارگاه‌ها، دوره‌ها و حتی

دیگر زمانی افراد در جامعه به سمت ورزش روی می‌آورند که تحت تأثیر فرایند جامعه‌پذیری، در ورزش نیز جامعه‌پذیر شده باشند. این کار مستلزم آگاه‌کردن خانواده از اهمیت و جایگاه ورزش در زندگی افراد و همچنین اصلاح نگاه آنان به ورزش است. خانواده‌ها باید به این امر توجه داشته باشند که ورزش با دیگر جنبه‌های موفقیت در زندگی فرزندان آن‌ها منافات ندارد و باید بعدی مؤثر و مفید در زندگی در نظر گرفته شود تا بستر اجتماعی لازم برای حضور و فعالیت مستمر و ماندگار افراد در عرصه ورزش فراهم شود.

بین تصور خویش از بدن و میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی، رابطه‌ای معنادار وجود داشت. این یافته، نظریه خودآیینی‌ای کولی را تأیید می‌کند. بر اساس این دیدگاه، میزان مشارکت شهروندان در ورزش‌های همگانی، نخست تحت تأثیر پیام‌هایی است که افراد در ارتباط با خانواده و گروه دوستان در زمینه پیامدهای فعالیت ورزشی دریافت می‌کنند. دوم اینکه، اگر تصویری که افراد در مورد ویژگی‌ها و تناسب اندام خود دارند، با قضاوت‌های دیگران همخوان نباشد، ممکن است فرد رفتار خود را با بدن خود تغییر دهد و برای رسیدن به تناسب اندام به رویکردهای همچون شرکت در فعالیت‌های ورزشی روی بیاورد؛ زیرا افراد برای ظاهرشان اهمیت زیادی قائل هستند. نتایج حاصل از این فرضیه در راستای دستاوردهای مطالعات کلیپاتریج و همکاران^۱ (2005) و جعفری (۱۳۸۰) و تأییدی بر نتایج به‌دست آمده سایر پژوهشگران در این زمینه است. عوامل روانی اجتماعی دیگر مانند فشارهای اطرافیان به فرد برای داشتن بدنی ایده‌آل و یا اثر رسانه‌ها با تبلیغ ظاهرهای خاص که عوامل موفقیت فردی و اجتماعی به شمار می‌آیند، بر احساس فرد از خود می‌توانند تأثیر بگذارند. تصویر مثبت از خویش، اثر بسیار زیادی بر سلامت و رشد فیزیکی و روانی فرد دارد. این تأثیرات در همه حیطه‌های زندگی خود را نشان می‌دهند. افراد با تصویر مثبت از خود، عزت نفس، پذیرش خود و رویکرد مثبت و سالم

² Seippel

³ Prins et al.

¹ Kilpatrick et al.

پژوهش فتحی (۱۳۸۸) نشان می‌دهد مشارکت ورزشی متأهلان بیشتر است. دلیل آن می‌تواند ناشی از نوع ورزش باشد. مجردها که عموماً جوان هستند، گرایش کمتری به ورزش‌های همگانی برعکس ورزش‌های قهرمانی دارند.

میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی بر اساس سن آنان متفاوت است. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود در میان گروه‌های مختلف سنی کسانی که در گروه سنی ۳۶-۴۵ سال قرار دارند، گرایش بیشتری به ورزش همگانی دارند و گروه سنی ۵۶ سال و بیشتر، کمترین میزان گرایش را به ورزش همگانی دارند. همچنین ملاحظه می‌شود جوانان نسبت به دو گروه بالاتر، میزان میانگین پایین‌تری دارند که این در خور تأمل است؛ بنابراین در مدارس و دانشگاه‌ها باید بستر و زمینه لازم برای گسترش ورزش همگانی فراهم شود.

میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی بر اساس شغل آنان متفاوت است. در این بین میانگین میزان گرایش به ورزش همگانی کسانی که شغل کارمندی دارند، بیشتر از گروه‌های دیگر است. علت آن می‌تواند سطح تحصیلی بالای این گروه و داشتن وقت آزاد برای ورزش کردن باشد. همچنین ثبات شغلی و نداشتن دغدغه شغلی از عوامل مهم در انتخاب رفتارهای سالم است. این نتیجه با نظریه عمل بوردیو منطبق است. به نظر بوردیو مهم‌ترین عامل‌هایی که نحوه توزیع رفتارهای ورزشی را در میان اقشار متفاوت جامعه می‌توانند توضیح دهند، عبارتند از:

۱. سرمایه اقتصادی، شامل درآمد پولی، سایر منابع مالی، دارایی‌ها و حقوق مالی.
۲. سرمایه فرهنگی، شامل گرایش‌ها و عادت‌های دیرپایی که در فرایند جامعه‌پذیری حاصل می‌شوند و هدف‌های فرهنگی ارزشمندی نظیر قابلیت‌های تحصیلی و مهارتی را به دنبال دارد.

۳. وقت آزاد (بوردیو، ۱۳۸۱: ۲۴۰)؛ بنابراین سیاست‌گذاری‌های دولت به بهبود و پیشرفت فعالیت‌های ورزشی در میان اقشار مختلف جامعه می‌تواند یاری برساند.

با توزیع بروشور، شرکت‌کنندگان در ورزش همگانی و به‌خصوص زنان را که تربیت‌کنندگان نسل‌ها هستند، از اهمیت ورزش در نشاط و شادابی خانواده و تأثیر آن بر رشد حرکتی و هوش کودکان و... آگاه کند تا از این راه به گسترش ورزش همگانی و در نتیجه سلامت جامعه بتوان کمک کرد. ورزش، وسیله‌ای است که از آن برای ایجاد روابط دوستانه و ارتباطات اجتماعی جدید به‌ویژه بین طبقات مختلف از لحاظ مذهب و قومیت می‌تواند استفاده شود.

به عبارت بهتر، فعالیت‌های ورزشی می‌تواند موجب ایجاد ارتباط بین گروه‌ها در شبکه‌های اجتماعی مختلف شود. ورزش با افزایش اعتماد به نفس، گسترش ارتباطات اجتماعی و افزایش اخلاق‌گرایی بر سرمایه اجتماعی تأثیر می‌گذارد.

میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی بر اساس جنسیت آنان متفاوت بود و مردان بیشتر از زنان، ورزش همگانی انجام می‌دادند. هریس معتقد است از نظر فرهنگی، مرزهای میان مرد و زن در برابر هرگونه تغییری به‌شدت ایستادگی و مقاومت می‌کند. این یک حقیقت آشکار است، به‌ویژه زمانی که ورزش و مسابقات ورزشی را بررسی می‌کنیم؛ زیرا بسترهای فرهنگی به نقش سنتی مرد اجازه داده است سطح رفتاری مطلوب و استاندارد را تا حد زیادی به ظهور برساند، حال آنکه رفتاری که زن به‌واسطه آن با ورزش پیوند برقرار می‌کند از سوی جامعه به‌ویژه مردان، تقویت نمی‌شود؛ زیرا این رفتار بعدها به رفتاری غیرزنانه و نامطلوب تبدیل می‌شود؛ بنابراین رفتار زن ضرورتاً دربردارنده موفقیت در ورزش رقابتی نیست (انورالخولی، ۱۳۸۱: ۱۰۳). به‌لحاظ تجربی این یافته با نتایج پژوهش فتحی (۱۳۸۸) و پارسامهر و ترکان (۱۳۹۱) همسو است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی بر اساس وضعیت تأهل آنان متفاوت نیست. مرور پژوهش‌های انجام‌شده، نتایج مختلفی را نشان می‌دهد. نتایج پژوهش لیندستروم و همکاران (۲۰۰۳) نشان می‌دهد مجردها بیشتر ورزش می‌کنند. در پژوهش‌های داخلی،

خلخال به ورزش همگانی، سیاست‌ها و راهکارهای زیر را می‌توان پیشنهاد کرد:

- تلویزیون ملی و شبکه استانی سبلان، نقشی ویژه در زمینه گسترش ورزش‌های همگانی دارد؛ بنابراین افزایش ساعات برنامه‌های ورزشی به‌خصوص ورزش‌های همگانی صبحگاهی و عصرگاهی در گرایش به این ورزش‌ها اهمیتی ویژه دارد.

- مدیران شهری خلیخال باید با اختصاص بودجه بیشتر در فضا سازی ورزشی و توسعه کمی فضاهای سبز شهر و تبلیغ و معرفی ورزش همگانی به مردم، آن‌ها را برای شرکت در این ورزش‌ها ترغیب کنند.

- گسترش همکاری نهادهای شهر خلیخال با دانشگاه‌های خلیخال برای مطالعه ورزش‌های همگانی بومی منطقه با انعقاد قراردادهای پژوهشی.

- بسترسازی فرهنگی برای حضور بیشتر زنان شهر خلیخال در ورزش‌های همگانی با تنظیم بنرها و تراکت‌های تبلیغاتی برای ارتقای سطح آگاهی عمومی شهروندان خلیخال.

منابع

- آفرینش خاکی، ا.؛ تندنویس، ف. و احمد مظفری، س.ا. (۱۳۸۴). «مقایسه دیدگاه‌های اعضای هیأت علمی، مربیان، ورزشکاران و مدیران در مورد چگونگی توسعه ورزش همگانی»، نشریه علوم حرکتی و ورزش، ج ۱، ش ۵، ص ۲۲-۱.
- اداره کل تنقیح و تدوین مقررات مجلس شورای اسلامی. (۱۳۵۹). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*.
- استونز، ر. (۱۳۸۷). *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*، ترجمه: میردامادی، م.، تهران: نشر مرکز، چاپ پنجم.
- اسلامی، ا.؛ محمودی، ا.؛ خیبری، م. و نجفیان رضوی، س.م. (۱۳۹۲). «نقش وضعیت اجتماعی - اقتصادی در انگیزه مشارکت شهروندان به ورزش‌های همگانی - تفریحی»، پژوهش‌های کاربردی در مدیریت

میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی بر اساس سطح تحصیلات آنان متفاوت است. ملاحظه می‌شود میزان گرایش به ورزش همگانی کسانی که تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر دارند، از همه گروه‌های تحصیلی بیشتر است. این یافته، نظریه عمل بوردیو را تأیید می‌کند؛ زیرا این گروه، سرمایه فرهنگی بالاتری دارند که اجازه می‌دهد سبک زندگی سلامت‌محوری را برای خود و خانواده خود برگزینند. این یافته با یافته‌های پژوهش لیندستروم و همکارانش (۲۰۰۳)، عادلخانی و همکاران (۱۳۹۱) هماهنگ است؛ ولی با پژوهش فتحی (۱۳۸۸) مغایرت دارد.

همچنین یافته‌های پژوهش درخصوص نوع ورزش‌های همگانی مورد علاقه شهروندان شهر خلیخال نشان می‌دهد ورزش‌های آبی، ورزش‌های بومی - محلی، ورزش بزرگسالان، ورزش کارکنان دولت، ورزش‌های طبیعی مثل کوهنوردی، ورزش صبحگاهی، فوتبال دستی، آمادگی جسمانی و ایروبیک، پیاده‌روی خانوادگی، گردشگری ورزشی، دارت، طناب‌کشی، پرواز بادبادک‌ها، بازی‌های فکری، پینت‌بال، طناب‌زنی، ورزش‌های تفریحی و نمایشی، یوگا، ماهی‌گیری و داژبال به ترتیب از اولویت‌های ورزش‌های همگانی مورد علاقه شهروندان شهر خلیخال محسوب می‌شوند؛ بنابراین مسئولان تربیت بدنی و شهرداری شهر باید به این ورزش‌ها توجه ویژه‌ای داشته باشند و با برنامه‌ریزی زمینه فعالیت و گسترش این ورزش‌ها را فراهم کنند.

در یک جمع‌بندی کلی، یافته‌های پژوهش نشان داد این مطالعه به اهداف تعیین شده رسیده و نتایج به دست آمده با چارچوب نظری هماهنگ بوده است.

پیشنهاد‌های پژوهش

نتایج پژوهش نشان می‌دهد نمره میانگین متغیر میزان گرایش به ورزش همگانی شهروندان شهر خلیخال ۴۹/۸۶ است که با توجه به حداکثر نمره ۸۱ در حد نسبتاً ضعیف است. با توجه به این نتایج، برای افزایش میزان گرایش شهروندان شهر

- ورزشی، دوره ۲، ش ۳، ص ۸۹-۱۰۴.
- انورالخولی، ا. (۱۳۸۱). ورزش و جامعه، ترجمه: شیخی، ح. ر. تهران: سمت.
- بورديو، پ. (۱۳۸۱). نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه: مردیها، م. تهران: نقش و نگار.
- پارسامهر، م. و ترکان، ر. (۱۳۸۹). «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی (مطالعه موردی: پرستاران بیمارستان های دولتی شهر یزد)»، پژوهش پرستاری، دوره ۷، ش ۲۶، ص ۷۹-۶۹.
- جعفری، م. (۱۳۸۰). بررسی عوامل فرهنگی گرایش زنان به ورزش در تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی. تهران.
- جوادی پور، م. و سمیع نیا، م. (۱۳۹۲). «تبیین موقعیت راهبردی و ارائه استراتژی توسعه ورزش همگانی در ایران»، پژوهش های مدیریت ورزشی و علوم حرکتی، س ۳، ش ۵، ص ۲۸-۱۵.
- دیلینی، ت. (۱۳۸۷). نظریه های کلاسیک جامعه شناسی، ترجمه: صدیقی، ب. و طلوعی، و. تهران: نشر نی.
- رحمتی، م. م. و کبیری، س. (۱۳۹۲). «تحلیل جنسیتی عامل های اجتماعی مؤثر در مشارکت ورزشی: مطالعه موردی ورزشکاران شهر رشت»، نشریه مطالعات فرهنگی در ورزش، ش ۲، ص ۱۵-۱.
- ریتزر، ج. (۱۳۸۹). مبانی نظریه جامعه شناسی معاصر و ریشه های کلاسیک آن، ترجمه: مسمی پرست، تهران: نشر ثالث.
- زنگی آبادی، ع؛ تاجیک، ز. و غلامی، ی. (۱۳۸۸). «تحلیل پراکنش فضایی مبلمان ورزشی در پارک های شهری و تأثیر آن بر رضایت و استقبال شهروندان (مطالعه موردی: شهر اصفهان)»، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، س ۱، ش ۲، ص ۳۴-۱۵.
- سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۴). مطالعات تفصیلی توسعه فرهنگ ورزش، تهران:
- انتشارات سیب سبز.
- سمیع نیا، م؛ پیمانی زاد، ح. و جوادی پور، م. (۱۳۹۲). «آسیب شناسی ورزش همگانی در ایران و ارائه راهکارهای توسعه بر اساس مدل SWOT»، مطالعات مدیریت ورزشی، ش ۲۰، ص ۲۳۸-۲۲۱.
- صالحی، ل؛ تقدیسی، م. ح؛ قاسمی، ه. و شکروش، ب. (۱۳۸۹). «بررسی عوامل تسهیل کننده و بازدارنده انجام فعالیت فیزیکی در سالمندان شهر تهران»، مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران، دوره ۶، ش ۲، ص ۲۷-۱۷.
- عادلخانی، ا؛ موسوی، ک. و فراهانی، ا. (۱۳۹۱). «سرمایه فرهنگی شرکت کنندگان در ورزش همگانی: سیاست گذاری ها و راهکارها»، فصلنامه مجلس و راهبرد، س ۱۹، ش ۶۹، ص ۳۲-۵.
- فتحی، س. (۱۳۸۸). «تبیین جامعه شناختی مشارکت ورزشی دانشجویان»، پژوهشنامه علوم اجتماعی، س ۳، ش ۴، ص ۱۷۳-۱۴۵.
- مظفری، ا. ا. و قره، م. ع. (۱۳۸۴). «وضعیت ورزش همگانی ایران و مقایسه آن با چند کشور منتخب جهان»، نشریه علوم حرکتی و ورزش، ش ۶، ص ۱۷۱-۱۵۱.
- مهرآیین، م. (۱۳۸۷). نظریات جدید جامعه شناسی و ورزش، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- هاشمی، س. و مرادی، ا. (۱۳۸۹). «بررسی نقش خانواده در جامعه پذیری ورزشی»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ۱۱، ش ۴، ص ۱۶۸-۱۴۳.
- Bourdieu, P. (1979) *Distinction: Critique Socialo du Jugement Coll Sens Commun*, Paris:Minuit.
- Dollman, J. & Lewis, R. (2010) "The Impact of Socio Economic Position on Sport Participation among South Australian youth". *Journal of Science and Medicine in Sport*, 1:318-322.
- Kilpatrick, K.M. Herbert, E. & Bartholomew, J. (2005) "College Students' Motivation for Physical Activity L: Differentiating Men's and Women's Motives for Sport Participation and Exercise". *Journal Am Coll Health*,

- 54(2):87-94.
- Lindstrom, M. Moghaddassi, M. Merlo, J. (2003) "Social Capital and Leisure Time Physical Activity: A Population Based Multilevel Analysis in Malmö, Sweden". *Journal of Epidemiology and Community Health*, 57: 23-28.
- Prins, Richard G. Sigrid, M. Mohnen. Frank, J. Van Lenthe. J. B. & Anke, O. (2012) "Are Neighbourhood Social Capital and Availability of Sports Facilities Related to Sports Participation among Dutch Adolescents?". *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*, 9(90):2-11.
<http://www.ijbnpa.org/content/9/1/90>
- Seippel, O. (2007) "Sports in Civil Society: Networks, Social Capital and Influence". *European Sociological Review*, 24 (1):69-80.
- Stempel, C. (2005). "Adult Participation Sports as Cultural Capital; A Test of Bourdieu's Theory of the Field of Sports". *International Review for the Sociology of Sport*, 41(4): 411-432.
- Yordy Galen, A. Lent Robert, W. (1998) "Predicting Aerobic Exercise Participaton: Social Cognitive, Reasoned Action and Planned Behavior models". *Jornal of Sport & Exercise Psychology*, 23(5): 91-100.
- Vilhjalmsso Runra, Thorlindsso Therd fur(1998) "Factors Related to Physical Activity: a Study of Adolescents". *Journal Social Science and Medicine*, 47(12):2067-2076.
- White, P. & Wilson, B. (2002) "Distinctions in the Stands. an Investigation of Bourdieu's Habitus. Socioeconomic status and Sport Spectator Shipin Canada", *International Review for the Sociology of Sport*, 37(1):5-16.